



عبدالاحمد فیض

مبانی حقوقی عدم مشروعیت جرایم جنگی و تریخچه ای مختصر آن!

جرایم و جنایات جنگی از دید حقوقی در قالب نورم ها ، اصول و معیار های حقوق بین المللی مورد مطالعه قرار میگیرد و عبارت از جرایمی است که در حین وقوع تصادمات مسلحانه و درگیری های نظامی علیه افراد ملکی (غیر مشمول در جنگ) و نظامیان هرگیر در جنگ (لسانی جنگی ، مجروحان نظامی مشمول جنگ) ارتکاب و یا حادث میگردد ، از نیروعاملان و مرتکبین چنین جرایم در پرتو حقوق بین المللی تحت عنوان جنایت کران بین المللی وصف جرمی کسب و بروفق احکام و نورم های پیش بینی شده در کنوانسیون های جهانی و سایر معیار های انسا ندوستانه حقوق بین المللی مستلزم تعقیب عدلی در پیشگاه محکمه بین المللی داد گستری چون جنایتکران دوران جنگ پنداشته می شوند.

از منظر تاریخی ، توسعه و انکشاف جامعه ای بشری در خلال سده های (19 و 20) در عرصه ساینس و تکنالوژی و بخصوص دستیابی دنیای مدرن به تسلیحات و فن آوری های پیشرفته نظامی حاوی قدرت کشتار جمعی موجب گردید تا مردمان غیر نظامی به قربانیان اصلی جنگها مبدل گردند و این امر باعث شد که ضمن نفرت و نزجار فزاینده عامه جهانی از جنگ و سیاستهای توسعه طلبانه محافل جنگ افروز ، تلاش و مساعی بین المللی در راستای جلوگیری از جنگ ، حمایت و صیانت از غیر نظامیان در جریان جنگ بیک داعیه همگانی و اجتناب نا پذیر مبدل گردد.

لذا ، کنوانسیون ژینومصوب سال (1864) به هدف مساعدت و نجات مجروحان جنگی ، نخستین اقدام بین المللی در جهت حمایت از آنانیکه در حین رویاروی های نظامی مصدوم میگردند (علی الرغم آنکه این کنوانسیون صرفا ، معطوف به حمایت از مجروحان جنگ بود) بحیث گام نخست از اهمیت شایانی در جهت نیل به امیال بشردوستانه چون (مصونیت افراد غیر نظامی بایست در جنگ تضمین گردد) بر خوردار میگردد . و هکذا ، کنوانسیون فوق شرایط لازمی را در عرصه بین المللی بخاطر ایجاد صلیب سرخ بین المللی مهیا تا باشد بمثابه نهاد بین المللی بشرخواهانه به کمک های فوری و ضروری متضررین و مصدومین جنگ پر داخته و طرفین هرگیر به تامین امنیت و مصونیت عمله و خدمه های صلیب سرخ در خلال نبرد های مسلحانه مکلف گردید.

در تداوم مساعی و تلاشهای جهانی به قصد حمایت از غیر نظامیان ، مکاتب ، شفاخانه ها و بطور کل تا سیاست غیر نظامی در حین منازعات مسلحانه در سال (1899) کنوانسیون بین المللی هاگ به تصویب رسید که مبتنی بر مفاد این کنوانسیون ، کاربرد تسلیحات کمیای و استعمال بمب های که با

یک انفجار، بمب ها و ماین های متعدد را در اطرافش تعبیه مینماید (بمب های خوشه ای) ممنوع قرار گرفت.

در سال (1906) دومین کنوانسیون بین المللی در ژینو با معیار های نوین در زمینه قواعد جنگ بحری شامل مصونیت کشتی های غیر نظامی (تجاری) و عدم کار گذاری ماین ها در بستر ابحار و غیره مورد تصویب قرار گرفت.

لازم بتذکر است که همه تلاش ها و مساعی جهانی به عزم تصویب معاهدات و کنوانسیون های جهانی بخاطر نجات حیات وزندگی انانیکه در جنگ نقشی ندارند ، در چنان فضایی صورت می پذیرفته که برخی قدرتهای نظامی کماکان جنگ را چون وسیله و ابزار سیاست ملی مطمح نظر داشته و بشریت با تاسف در آستانه ای جنگ اول جهانی (1914 – 1918) قرار داشت. درین جنگ طرفین هوگیر از کلیه اسباب و ابزارهای تسلیحاتی دست داشته به شمول تسلیحات کمیای ، بیولوژیکی و جنگ افزار های متناوب کشتار جمعی به عزم شکست طرف مقابل استفاده برده ، اصول و موژین پذیرفته در کنوانسیون های فوق الذکر با شدت تمام نقض گردید . که پیامد های موبار ناشی از آن را ویرانی های غیر قابل تصور ، آوارگی ، مرض ، بحران عظیم اقتصادی و موبگ بیش از یک ملیون انسان غیر نظامی در سراسر جهان تشکیل میداد.

استعمال تسلیحات متنوع و دارای قدرت تخریبی عظیم ، انواع سلاح های کمیای ، بیولوژیکی و کار برد گاز های سمی در خلال جنگ اول جهانی سر انجام منتج بدان گردید که در سال (1925) یک پروتوکول اضافی تحت نام پروتوکول الحاقی به کنوانسیون ها که ضمیمه گردد که استعمال سلاح کمیای و بیولوژیکی توأم با گزهای اختناق آور را ممنوع قرار میداد ، اما فضای یاس و نا امیدی از عدم تحقق عملی کنوانسیون های جهانی به هدف تامین مصونیت و حفظ حیات غیر نظامیان در دهه سی قرن گذشته به راحتی رو به گسترش بوده ، زیرا قدرت های نظامی چون المان هینلری ، ملیترلیست های جاپانی و ناسیو نالیست ها در ایتالیا ، امنیت بین المللی را با تمثیل سیاست های تهدید کننده ، با تمام توان نظامی شان هدف قرار داده بودند که به شهادت تریخ سر انجام المان هیتلری در اول سپتامبر سال (1939) با تخطی و نقض اشکار کلیه اصول و موژین قبول شده جهانی و مفاد مندرج در میثاق جامعه ملل به تجاوز و اشغال پولند در مجاورت مرزهای اتحاد شوروی دست یزیده و با آغاز عظیم ترین فجایع قرن (20) یعنی جنگ دوم جهانی که هولناکترین ، موبگرترین و غیر اخلاقی ترین حادثه نریخ بشر پنداشته میشود ، موبگرترین جنایت هلیه بشریت را که اضافه از پنجاه ملیون انسان در سراسر جهان قربان این جنگ را تشکیل میداد ، مرتکب گردیدند.

بعد از ختم جنگ دوم ، معادلات نوین قدرت در عرصه بین المللی شکل گرفت ، جنگ سرد در فضای روابط بین المللی حاکم گردید ، قدرت های بزرگ چون ایالات متحد ه و اتحاد شوروی مساعی وسیع و گسترده ای بخرج دادند تا باراه اندازی مسابقات تسلیحاتی ، تناسب قوا در عرصه ای جهانی را به سود خویش تغیر دهند و این امر در شرایط جنگ سرد موجب گردید تا قدرت های بزرگ و عده ای از متحدین قدرتمند انهادبه تولید انواع تسلیحات کشتار جمعی دست یزیده که از جمله میتوان از گسترش و تولید جنگ افزار های هستوی ، موشک های بالیستیکی و تولید انواع گوناگون تسلیحات متعارف نام برد.

لذا، بر بنیاد تحولات و تغییرات اساسی در زمینه دستیابی کشور های مختلف به انواع جنگ افزار های کشتار جمعی در سال (1949) چهار کانونسیون که به کانونسیون های چهار گانه ژنیو معروف است، نورم ها، معیار ها و اصول بنیادین مخاصمات مسلحانه را (قوانین جنگ) به منظور حفاظت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ مورد تصویب قرار داد.

تشکیل و تصویب منشور محکمه اختصاصی نورنبرگ در سال 1945 به منظور محاکمه جنایتکاران جنگ دوم جهانی، گام دیگر به قصد اقناع افکار عامه جهانی که عاملان و مسببین کشتار بیرحمانه ای غیر نظامیان در جنگ به محاکمه کشانیده شده و جنایتکاران جنگ و جانانین ضد بشری مورد پیگرد قرار میگردند، بحساب میاید

هکذا، کانونسیون های مصوب (1972) و (1993) کار برد تسلیحات بالترتیب بیولوژیکی و کمیای را بصورت قطع ممنوع قرار داده و نیز در سال (1997) تصمیم مبنی بر منع استعمال ماین های ضد پر سونل در دستور کار ملل متحد قرار گرفت که هدف ژان، کاهش میزان تلفان غیر نظامی و حتی نظامیان شامل جنگ بوده، اما کانونسیون فوق مورد تایید کشور های چون روسیه، ایالات متحده و چین قرار نرفت.

علی الرغم این همه تلاش و مساعی جهانی مبنی بر کاهش میزان جنایات جنگی و جنایات ضد بشری، دول و شخصیت های متعدد سیاسی و گروه های تروریستی مرتکب وحشتناکترین نوع از جنایات ضد بشری و جنایات جنگی گردیده اند که اینک بذکر موجز وقایع و حوادث می پر دلزم که از اواسط دهه سی قرن بیست تا کنون در نقاط مختلف جهان بوقوع پیوسته و خشن ترین مثالهای از ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت را احتوا، میکند که با تاسف کمترین مورد انها تحت تعقیب و پیگرد قانونی چون جنایت بین المللی قرار گرفته و عاملان ان تشخیص و به پای میز محاکمه کشانیده شده اند و عبرتند از:

۱- تغییرات دراماتیک که بعد از زوال اردوگاه سوسیالیزم و فرو پاشی اتحاد شوروی در دهه نود قرن گذشته در سطح جهان بوقوع پیوست، به ختم جنگ سرد و ظهور دول مستقل در جغرافیای که بخش از اقمار نفوذی اتحاد شوروی محسوب می شدند، منجر گردید و بوضوح میتوان خاطر نشان ساخت که این همه تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی در کشور های متحد اتحاد شوروی، انقطاب و بحران عظیم اجتماعی را به همراه داشت، احساسات ملی گرایی و جنبش های جدای طلبانه درین کشور ها، خونین ترین نبرد های داخلی را رقم زد که میتوان از جنگ بالکان (1992 - 1995) که به فروپاشی کامل فدراسیون یوگوسلاویا منجر گردید، نامبرد.

ملتهای بوسینیا و کرواسی که خواهان تشکیل دولتهای مستقل و جدایی از صربستان بودند به گونه ای نهایت فجیع اهالی ملکی درین مناطق مورد حملات مسلحانه صرب ها قرار گرفته و صد ها هزار انسان غیر نظامی قربانی این جنگها گردید، که خشن ترین نوع کشتار غیر نظامی در منطقه ای در سری بریسینا در اول جولای سال (1995) بوقوع پیوست که پیامد حاصله از ان قتل عام بش از (56000) بو سینیایی بوده که در اسلرت نیروهای صربی قرار داشت.

ارتکاب جنایات هولناک ضد بشری و جرایم جنگی در طی سالهای وگگیری های داخلی در بالکان باعث گردید که محکمه اختصاصی رسیدگی به جنایات جنگی و جرایم ضد بشری ایجاد و سران و عاملان جنایات در بالکان تشخیص و محاکمه گردند که این پروسه تا کنون نهی نشده است.

۲- مردم تحت استعمار الجزایر در سالهای (1945 - 1962) جنبش رهای بخش را بخاطر کسب استقلال سیاسی علیه استعمار فرانسه اعاز که این جنبش مقاومت ملی به دفاع سر سخته فرانسه مواجه که در نتیجه بیش از هشت هزار شهر ها و روستاها کاملاً، منهدم و اضافه از یک ملیون غیر نظامی درین نبرد نا برابر و میهن پرستانه ، جانهای شریخویشرا زدست دادند (جنایت جنگی و جنایات در برابر بشریت طبق معیار های جهانی درین جنگ هر گز مورد رسیدگی مراجع مسوول بین المللی قرار نگرفته است.

۳- جنبش ضد اپر تایید در افریقای جنوبی در میان سالهای (1948 - 1990) به شدت تمام از سوی نظام استبدادی و نژاد پرست اقلیت سفید پوست در مقاطع مختلف سر کوب و در نتیجه صد ها هزار سیاه پوست بجرم سیاه بودن جلد شان چون اتباع درجه دوم و محکوم ، و بخصوص مبارزان ضد اپرتایید به قتل رسیده، شکنجه ویا نا پدید گردیدند، که بعد از وفول اقتدار نامشروع اقلیت سفید پوست در دهه نود ، هیات حقیقت یاب ، تحت شعاع افکار انساندوستانه نیلسون مندیلا فقید رهبر افریقای جنوبی بعد از اعتراف عاملان جنایات و عذر خواهی از خلق افریقای جنوبی ، اکثراً، مورد عفو قرار گرفته و از تعقیب عدلی انها انصراف بعمل امد.

۴- در سال (1978) بیش از یک هزار نامیبیای در یک نبرد آزادی خواهانه ، توسط نیرو های مسلح افریقای جنوبی در مرکز تجمع مهاجران در کاسیکا کشور انگولا بیرحمانه به قتل رسیدند، کشته شدگان مردمان بومی بودند که در خلال جنگ از کشور شان فرار وبه کشور انگولا پناه برده بودند.

۵- یوگندا در سال (1985) طعمه ای جنگ داخلی گردید ، قومندان مخالف نیروهای مسلح بنام (لوردس رسیس تانسی رمی) در برابر دولت صف لاری نموده و جنگ گسترده داخلی را باعث شد که درین نبرد داخلی ، بیش از نیم ملیون غیر نظامی یوگنداییجان خویشرا از دست دادند، بعد از ختم جنگ قومندان موصوف خوشبختانه به اتهام ارتکاب جنایات چون . استخدام اطفال در صفوف نظامیان (سربزان که اطفال هستند) ، تجاوزات گسترده جنسی و جنایات جنگی مورد تعقیب محکمه بین المللی (ای - اس - اس) قرار گرفت.

۶- در لیبیا ، فاصله میان سال های 1990 - 2003 رهبر دکتاتور چرلیس تایلور بمنظور تداوم اقتدار جابرانه اش در برابر مردم کشورش از خشن ترین نوع سرکوب ، با استعمال نیرو های مسلح استفاده برده که در نتیجه (250000) غیر نظامی به قتل رسیدند ، زینرو موصوف در سال 2006 در ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت مورد محاکمه قرار گرفت .

7- السلوادور از سال 1978 - 1992 و لرجنتاین در فاصله میان سالهای 1976 - 1983 بوسیله نظام های دکتاتوری که از حمایت ایالات متحده بر خوردار بودند ، رهبری میگردید. حکام دکتاتور در کشور های فوق بالترتیب در السلوادور 70 - 80 هزار و در لرجنتاین در حدود 30000 اهالی بیدفاع ملکی و مخالفان غیر مسلح سیاسی شانرا در مقاطع مختلف ، تعقیب ، شکنجه ، اعدام و یا به نحوی از انحا به قتل رسانیده اند . باید متذکر شد که حوادث مشابه و مولود متعدد از قتل و کشتار غیر نظامی که بر بنیاد معیار های جهانی جنایت علیه انسانیت و جنایت جنگی توصیف میگردد ، در کشور های چیلی ، پراگوای ، بولوی ، پیرو، اکوادور ، مکسیکو وغیره نیز اتفاق افتاده است .

۸- انقلاب کلتوری در چین میان سالهای ۱۹۶۷ - ۱۹۷۰ باعث شد ، هزاران انسان بی گناه به اتهام مخالفت با سیاستگذاری های نظام انقلابی به قتل رسیده و یا نا پدید گردیدند..

۹- ویتنام در سال ۱۹۶۴ مورد حمله تمام عیار مسلحانه ایالات متحدخ قرار گرفت (جنگ ویتنام) این جنگ که تا سال ۱۹۷۵ ادامه داشت ، بیش از دو میلیون غیر نظامی ویتنامی شکنجه ، اعدام ویا به شکل گروهی با شلیک توپخانه و پر تاب بمب ها در محلات غیر نظامی به قتل رسیدند.

۱۰- اندونزی در سال ۱۹۶۵ بعد از وقوع کودتای نظامیکه از حمایت امریکا بر خوردار بود به جنگ داخلی مواجه گردید ، نیروهای چپ علیه سلطه ای نا مشروع یک دکتاتور خونتای نظامی به مقاومت بر خواستند که در نتیجه نیم میلیون انسان به قتل رسیدند . (وقوع جرایم انکار ناپذیر جنگی ، طبق معیار های جهانی هر مورد پیگرد قرار نگرفته است).

۱۱- راندا در سال ۱۹۹۴ وحشیانه ترین نوع پاکسازی قومی و یا نژادی را در تاریخ ان کشور شاهد گردید . قوم هوتو که قدرت واقعی و مطلق در ان کشور شمرده میشد در برابر قوم توتسی وارد جنگ گردیده که حتی مداخله ملل متحد نتوانست از در گیری های روز افزون داخلی در ان کشور جلو گیری نماید ، لذا در جریان صد روز نبرد خونین ۸۰۰ - ۱۰۰۰۰۰۰ غیر نظامی عمدتا ، از قوم توتسی قتل عام گردیدند.

۱۲- جنگهای داخلی دهه نود در راندا به سر حدات انکشور محدود نمانده ، بلکه به سرعت تمام بهکشور های همسایه چون جمهوری دموکراتیک کانگو در سال ۱۹۹۸ سرایت نمود ، زیرا پناهندگان راندایی موجب جنگ در ان کشور شده که در نتیجه چندین میلیون انسان بی گناه به قتل رسیدند.

۱۳- سودان در سال ۲۰۰۳ اماج جنگهای داخلی گردید ، انگیزه اصلی در گیری ها ، تهاجم نیروهای مسلح تحت حمایت دولت مرکزی در خار توم علیه اهالی مسیحی ان کشور که در ایالت دارفور واقع در جنوب غربی سودان زندگی داشتند تشکیل میداد ، که در نتیجه حدود دو میلیون پیروان دین مسیحی به قتل رسیدند این جنایات تا کنون مورد تعقیب قرار نگرفته است.

۱۴- گواتیمالا در فاصله بین سالهای ۱۹۵۶ - ۱۹۹۵ بوسیله یک نظام دکتاتوری که از حمایت ایالات متحده بر خوردار بود ، رهبری گردید ، لیزرو ایالات متحده در حمایت از دولت ، حملات وسیع نظامی را علیه گواتیمالا انجام که در نتیجه میلیون ها انسان به قتل رسید که تا کنون اقدامی مبنی بر رسیدگی این جنایات صورت نگرفته است.

۱۵- جنگ میان عراق وایران در دهه هشتاد (۱۹۸۰ - ۱۹۸۸) شاهد کاربرد انواع تسلیحات کشتار جمعی منجمله سلاح های کمیای و بیو لوزیکی از سوی طرفین هوگیر ، بخصوص عراق بوده که اضافه از هشتاد هزار افراد غیر نظامی از هر دو کشور قربانی گردید ، لذا ارتکاب جرایم جنگی بوسیله نظامیان عراقی و نیز ایرانی هر گز مستند سازیرو مورد پیگرد فرار نگرفته است.

۱۶- دراتحاد شوروی در فاصله میان سالهای ۱۹۳۴ - ۱۹۴۰ در زمان حاکمیت ستالین از یک تا ده میلیون افراد از اقشار گوناگون ، بخصوص اعضای حزب کمونیست که ستالین خود رهبری انرا داشت ، چون مخالفان سیاسی نظام و عناصر ضد انقلابی در محاکم نظامی به اعدام محکوم ویا نا پدید گردیدند.و این جنایات تا کنون پو شیده باقی مانده است.

۱۷- هسپانیه در سال 1936 در گیر جنگهای داخلی گردید جمهوری خواهان که قدرت را در مادرید در اختیار داشت و حاکمیت مشروع پنداشته میشد ، مورد حمله نیروی مخالف برهبری فرانکو چهره بد نام و دکتاتور که از حمایت های وسیع المان فاشیستی و ایتالیا بر خوردار بود قرار گرفتند. که سر انجام بعد از تسلط بر مادرید از 50 الی 100 هزار اعضای جمهوری خواهان و غیر نظامیان اعدام گریپدند . که این جنایات تا کنون مورد تعقیب قرار نگرفته است.

۱۸- در جنگهای داخلی افغانستان بین سالهای 1992 - 2001 و قبل از آن در جریان جنگهای داخلی دهه هفتاد و هشتاد ، تعداد کثری مردم ملکی جانهای شریں شانرا از دست داده ، ملکیت و دلرایی های اهالی ملکی توسط شبه نظامیان غصب و مورد متعدد و غیر قابل محاسبه تعقیب ، شکنجه و اعدام های خودسرانه بخش از تریخ غم انگیز این کشور را احتوا میکند ، که مرتکبین این حوادث خونین که جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت توصیف میگردد ، تا کنون مشخص نشده و تحت پیگرد قرار نگرفته اند.

۱۹- لبنان در سال 1982 مورد تجاوز مسلحانه لسراپیل قرار گرفته که به محصره بیروت پایتخت منجر گردید ، درین حمله هزاران لبنانی غیر نظامی به قتل رسیده ، که صرفا، در حمله لسراپیل بر کمپ مهاجرین فلسطینی در صحرای صبرا و شتیلا 2000 مهاجر بیدفاع فلسطینی قتل عام گردید.

۲۰- در فلسطین بعد از جنگ لسراپیل و اعراب در سال 1967 که به جنگ شش روزه معروف است تا کنون صدها هزار فلسطینی در سر زمین خود شان در نتیجه حملات پیهم و سیستماتیک دولت صیهونیستی به قتل رسیده که این جنایات بلا انقطاع در مقاطع مختلف باذنقض صریح کلیه معیار های جهانی و موازین حقوق بشر علیه فلسطینیان جریان داشته ، که آخرین مورد انرا میتوان در حملات مسلحانه لسراپیل به نوار غزه که از هشتم جولای 2014 آغاز و تا کنون به شدت تمام ادامه دارد و بیش از 1200 فلسطینی اعم از اطفال و زنان تا کنون به قتل رسیدند ، مشاهده کرد، که در نوع خویش ، خشن ترین جنایت جنگی و جنایت ضد بشری درین قسمت از جهان بوقوع پیوسته ویا در حال وقوع است ، اما این جنایات تا کنون از سوی مراجع ذیصلاح بین المللی مبنی بر تثبیت مسوولیت لسراپیل در ارتکاب جنایات هولناک جنگی هیچ اقدامی صورت نگرفته و چنان مینماید که گویا آنچه را که سر دمدران لسراپیل انجام میدهند ، از نظر حقوقی عدیم المسولیت پنداشته شده و اثرات حقوقی مبنی بر مسوولیت جزایی بران مرتب نمیکردد.

فلهذا، یاد دهانی مختصر فوق از تریخچه ای ارتکاب جرایم جنگی و جرایم ضد بشری بوضوح میرساند که مورد متعددی این جنایات تثبیت نگردیده و عاملان ان در پر تو حقوق بین المللی و سایر معیار های جهانی تحت پیگرد قانونی قرار نگرفته است ، که این معافیت از تعقیب و مجازات باعث می گردد تا جنایت کران جنگی در عملکردهای غیر اخلاقی ، ضد انسانی و ظالمانه شان هارتو گردیده و با زیر پا نهادن اصول و ارزشهای جهانشمول به دست باز به ارتکاب چنین جنایات مبادرت ورزند.

منابع:

جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی ، مؤلف- فرانسیون ژاک، وگردان - دکتور اردبیلی.
یاد داشتهای لکانوانسیون های بین المللی.
پروژه درخصوص تریخچه جنایات جنگی، وگردان و تخلص نویسنده.